

• نوجوان و تفکر انتقادی

ارزیابی داستان‌های نوجوانان
از منظر تفکر انتقادی

زهره سعیدی

www.ketab.ir



سرشناسه	سمیدی، زهره، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	نوجوان و تفکر انتقادی: ارزیابی داستانهای نوجوانان از منظر تفکر انتقادی/ زهره سمیدی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۶۴ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۳۷۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	ارزیابی داستانهای نوجوانان از منظر تفکر انتقادی.
موضوع	داستانهای نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	Young adult fiction, Persian -- ۲۰th century -- History and criticism
موضوع	داستانهای نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه ها
موضوع	Young adult fiction, Persian -- ۲۰th century -- Collections
موضوع	تفکر انتقادی در نوجوانان
موضوع	Critical thinking in adolescence
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
شناسه افزوده	Research Center for Culture, Art and Communication
رده بندی کنگره	PR۲۸۶۹
رده بندی دیویی	۸۸۴/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۲۷۳۳۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
دانشگاه تهران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 عنوان: نوجوان و تفکر انتقادی: ارزیابی داستانهای نوجوانان از منظر تفکر انتقادی
 نویسنده: زهره سمیدی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)
 ویراستار: ناصر مرادی زاده
 طراح جلد: فریماه فاطمی
 صفحه‌آرا: فاطمه قیاسوند
 نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۴۰۰
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۳ هزار تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۳۷۷-۶

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
 در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر.....
۳.....	پیش گفتار.....
۹.....	مقدمه.....

۱۷.....	فصل اول: تفکر انتقادی و محتوای داستان‌های فکری.....
۲۰.....	تعریف اندیشمندان از تفکر انتقادی.....
۲۲.....	ویژگی‌های متفکر منتقد.....
۲۸.....	ویژگی‌های کودکان و نوجوانان منتقد.....
۲۹.....	ظرفیت داستان در آموزش تفکر انتقادی.....

۳۳.....	فصل دوم: داستان‌های فلسفی برای کودکان و ارتباط آن با اخلاق‌ورزی.....
۳۴.....	فواید داستان‌های فلسفی برای کودکان.....
۳۷.....	تفکرورزی مبتنی اخلاقی‌ورزی.....

۴۳.....	فصل سوم: معیارهای ارزیابی داستان‌ها از منظر تفکر انتقادی.....
---------	---

۵۱.....	فصل چهارم: معرفی، بررسی و ارزیابی داستان‌های نوجوانان با گرایش رسمی.....
۵۱.....	روپاه شنی.....
۵۵.....	بازار خوبان.....
۵۹.....	عروس دریایی.....
۶۳.....	اسب جنگی.....
۶۵.....	باهوش.....
۶۷.....	گردان قاطرچی‌ها.....
۷۰.....	دروازه مردگان / قبرستان عمودی.....
۷۳.....	جایی که کوه بوسه می‌زند بر ماه.....
۷۷.....	نان و گل سرخ.....
۸۰.....	لم یزرع.....

۸۵.....	فصل پنجم: معرفی، بررسی و ارزیابی داستان‌های نوجوانان با گرایش نخبه‌گرا.....
۸۵.....	انجمن یوزهای شریف.....
۸۷.....	رنگ خورشید.....
۸۹.....	برایم شمع روشن کن.....

۹۱.....	آخرین روز خانم بیکسی.....
۹۴.....	مسافر حکیم آباد.....
۹۶.....	روزی پرنده هایی.....
۹۸.....	تویاس و فرشته.....
۱۰۱.....	دشت متلاطم.....
۱۰۳.....	ما یک نفر.....
۱۰۵.....	در جست و جوی آبی ها.....

فصل ششم: معرفی، بررسی و ارزیابی داستان های نوجوانان با گرایش بازارپسند..... ۱۱۱

۱۱۱.....	قصه های معجید.....
۱۱۴.....	دنیای معركة تام گیتس.....
۱۱۶.....	جام جهانی در جوادیه.....
۱۱۸.....	خمره.....
۱۲۰.....	شازده کوچولو (مسافر کوچولو).....
۱۲۳.....	ته خیار.....
۱۲۷.....	هویج پستی.....
۱۳۰.....	این کتاب را ممنوع کنید.....
۱۳۲.....	قلب های نارنجی.....
۱۳۶.....	چشم عقاب.....
۱۴۹.....	نتیجه گیری.....

منابع..... ۱۵۵

• سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای

پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این‌رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود. ضمن آنکه پژوهشگاه اذعان می‌دارد، انتشار این آثار برای آشنایی کارشناسان با جدیدترین دیدگاه‌هاست و به‌منزله تایید تمام محتوای آن‌ها نیست.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پیش‌گفتار

توانایی گفت‌وگوی مؤثر، مهارت تشخیص گفتار منطقی از گفتار غیرمنطقی و توانایی داوری و استدلال، که از مؤلفه‌های تفکر انتقادی به شمار می‌روند، اهمیتی انکارناپذیر در زندگی فردی و جمعی افراد دارند. توانایی‌های مذکور نقشی مهم و مؤثر در اتخاذ تصمیم‌های درست در زندگی و مواجهه صحیح با رخداد‌های پیش رو دارند. انسان امروزی در مواجهه با داده‌ها و اطلاعات گسترده‌ای قرار دارد و برای در امان ماندن از فریب‌خوردگی ناشی از هجوم بی‌وقفه اخبار رسانه‌ای، ضرورت دارد مهارت‌های فکری به‌طور عام و تفکر انتقادی به‌طور خاص را فراگیرد. تفکر انتقادی می‌تواند در مقابل هجوم اطلاعات، اخبار و داده‌ها از سوی رسانه‌ها و فضای مجازی، همچون سپر عمل کند و فرد را در برابر خطر گرفتارشدن در دام اطلاعات و اخبار نادرست محافظت کند و مانع پذیرش اخبار و داده‌ها بدون بررسی منابع، اسناد و شواهد شود.

از آنجا که برای تقویت توانایی‌های ذهنی و استدلالی افراد و فراگیری مهارت تفکر انتقادی دوران دانشگاه بسیار دیر هنگام است، لازم است پرورش و تقویت مهارت‌های فکری در دوران کودکی صورت گیرد. ضرورت این امر را می‌توان معطوف به بزرگسالانی مشاهده کرد که از یک سو قدرت

گفت‌وگوی انتقادی، استدلال‌ورزی و داوری بی‌طرفانه را ندارند و از سوی دیگر برای تقویت توانایی‌های مذکور در آن‌ها بسیار دیر شده است. اگر بتوان از دوران کودکی مهارت‌های فکری را به کودکان آموزش داد و آنان را انتقاداندیش و مسئولیت‌پذیر بارآورد، شاهد نسلی خواهیم بود که قادر خواهد بود در زندگی شخصی خود تصمیم‌های عاقلانه بگیرد و در زندگی اجتماعی، انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و اعمالش را بر اساس معیارهای عقلانی اخلاقی، قضاوت‌های منصفانه و منفعت جمعی اتخاذ کند. این امر در درازمدت موجب بالارفتن تفاهم میان شهروندان جامعه، رواداری و تساهل در بین آن‌ها و ممانعت از نزاع و خشونت می‌شود.

برای آموزش مهارت‌های فکری به کودکان و نوجوانان و ایجاد توانایی تفکر انتقادی در آن‌ها، می‌توان از رمان‌ها بهره‌ وافر برد. بنابراین کتاب^۱ به‌طور عام و داستان و رمان به‌طور خاص، در اینجا به‌عنوان ابزار آموزش مهارت‌های فکری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. داستان و رمان از این ظرفیت برخوردارند که شروعی اثرگذار برای تشویق کودکان و نوجوانان به تفکر و تأمل، و وسیله‌ای کارآمد برای پرورش توانایی اندیشیدن در آن‌ها باشند. همچنین این قابلیت را دارند که فضایی برای فراگیری مهارت گفت‌وگو، استدلال و داوری صحیح فراهم کنند و مسئولیت‌پذیری، اخلاق محوری و ایده‌پردازی را به کودکان و نوجوانان آموزش دهند. داستان‌ها و رمان‌هایی که می‌توان از آن‌ها برای این هدف بهره‌برد، دو دسته‌اند: دسته اول، آن‌هایی هستند که با قصد آموزش مهارت‌های فکری در مدارس تدوین شده‌اند. موارد مذکور در برنامه فلسفه برای کودکان^۲ می‌گنجند؛ دسته دوم، داستان‌ها و رمان‌ها به‌طور عام هستند که در صورت غنای محتوایی و برخورداری از مفاهیم فکری، اخلاقی و خلاقانه، هم می‌توان با گنجانده‌شان در متون

۱. کتاب‌هایی که برای آموزش مهارت‌های فکری تألیف شده‌اند، بیشتر در حوزه منطق و فلسفه‌اند. کتاب‌های مذکور مورد نظر این پژوهش نیستند.

۲. راجع به این برنامه در فصل دوم توضیح داده خواهد شد.

آموزشی و هم به‌عنوان پرکننده اوقات فراغت کودکان و نوجوانان از ظرفیت آن‌ها در پرورش مهارت‌های فکری بهره برد. از آنجا که داستان و رمان از یک سو ذاتاً مخاطب را به‌سوی خود جذب می‌کنند و از سوی دیگر خواسته یا ناخواسته بر روی مخاطب خود اثرگذارند، محتوای فکری آن‌ها به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان که در حال سپری کردن دوران یادگیری هستند، بسیار مهم است. اینک می‌خواهیم بدانیم آیا داستان‌ها و رمان‌های موجود در بازار از محتوای فکری برخوردار هستند و با توجه به نقشی که می‌توانند در گسترش تفکر انتقادی در جامعه ایفا کنند، توانسته‌اند از عهده این وظیفه برآیند؟

برای یافتن پاسخ پرسش فوق، این پژوهش ۳۰ داستان و رمان نوجوان در گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، مربوط به سال‌های ۹۰ تا ۹۸، در سه دسته رسمی، نخبه‌گرا و پرفروش اعم از تألیف یا ترجمه را بررسی و تحلیل کرده است تا نشان دهد آن‌ها تا چه اندازه دارای محتوایی هستند که بتوانند امکان تقویت مهارت‌های فکری به‌طور عام و تفکر انتقادی به‌طور خاص را فراهم کنند؟ به بیان دیگر، آیا آن‌ها واجد مفاهیم فکری فلسفی و دارای ظرفیت ارتقای تفکر انتقادی در نوجوانان هستند؟

گفتنی است که داستان‌ها و رمان‌های رسمی بر اساس کتاب‌های برگزیده کتاب سال؛ داستان‌ها و رمان‌های نخبه‌گرا بر اساس کتاب‌های برگزیده شورای کتاب کودک و جایزه لاک‌پشت پرنده؛ و داستان‌ها و رمان‌های پرفروش بر اساس میزان پرفروش بودن آن‌ها، برگرفته از اطلاعات مؤسسه خانه کتاب ایران انتخاب شده‌اند. کتاب سال عنوان جایزه‌ای دولتی است که هر سال در بهمن‌ماه (دهه فجر) به‌وسیله خانه کتاب، با تأیید نهایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نویسندگان برگزیده و شایسته تقدیر در بخش‌های مختلف از جمله ادبیات داستانی اعطا می‌شود. از این‌رو، رمان‌ها و داستان‌هایی که از سوی این نهاد برگزیده می‌شوند را می‌توان در دسته رمان‌ها و داستان‌های با‌گرایش رسمی (دولتی) به شمار آورد. لاک‌پشت پرنده عنوان جایزه‌ای غیردولتی و فهرستی از کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان است که

با همکاری مشترک مؤسسه شهر کتاب و فصلنامه تخصصی پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان تهیه می‌شود. این کتاب‌ها را گروهی از منتقدان، کارشناسان و نویسندگان کودک و نوجوان، با بررسی کتاب‌های هر فصل، انتخاب می‌کنند. از این رو، رمان‌ها و داستان‌هایی که از سوی این گروه برگزیده می‌شوند را می‌توان در دسته رمان‌ها و داستان‌های با گرایش نخبه‌گرا قرار داد. مؤسسه خانه کتاب، نهادی است که هر سال پر فروش‌ترین کتاب‌های نمایشگاه بین‌المللی کتاب را اعلام می‌کند؛ البته داستان‌های پرفروش را بر اساس چاپ‌های متعدد آن‌ها نیز می‌توان شناسایی کرد.

روش به کاررفته در این پژوهش، روش تحلیل مضمون است. بر اساس این روش داده‌ها مطالعه و به روش کیفی بررسی، تبیین و تحلیل شده‌اند. تحلیل داده‌ها بر اساس معیارهایی صورت گرفته است که به صورت مستند استخراج و ارائه شده‌اند. بدین معنا که بر اساس تعاریفی که از تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن عرضه شده، معیارهایی استخراج و مبنای نقد قرار گرفته‌اند. به همین شیوه، درون‌مایه داستان‌ها و رمان‌ها با تکیه بر نتیجه یا پیام آن‌ها و به مثابه فکر مسلط در اثر، استخراج و عرضه شده‌اند.

کتاب پیش رو در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول به مباحث نظری پیرامون تفکر انتقادی؛ و بخش دوم به ارزیابی داستان‌ها مبتنی بر مباحث بخش اول اختصاص یافته است. پیش از آن، با توجه به اینکه نظام آموزشی کنونی به جای تلاش برای تقویت مهارت‌های فکری در کودکان و نوجوانان، به دنبال اطاعت‌پذیری و در مقابل روحیه پرسشگری و خلاقانه آنها قرار دارد که متأسفانه در کاهش علاقه کودکان و نوجوانان به کتاب‌خوانی به طور عام و داستان‌خوانی به طور خاص اثرگذار است، نخست به عنوان پیش‌گفتار به نقاط ضعف نظام آموزشی اشاره شده و پیشنهادهایی برای اصلاح آن با تأکید بر ضرورت تفکرورزی ارائه شده است.

سپس در فصل اول به تفصیل راجع به تفکر انتقادی و تعاریفی که از آن عرضه شده، بحث شده است تا بتوان بر آن اساس مراد از تفکر انتقادی

و مؤلفه‌های آن را درک کرد. در این فصل راجع به محتوای داستان‌های فکری و اهمیت و ظرفیت آن‌ها در آموزش تفکر انتقادی نیز مطالبی عرضه شده است. از آنجاکه نویسندگان به الگویی برای خلق داستان‌های برخوردار از محتوای فکری فلسفی نیاز دارند، در فصل دوم در خصوص برنامه‌ای به نام فلسفه برای کودکان صحبت شده که وظیفه خود را عرضه داستان‌هایی برخوردار از محتوای فکری فلسفی تعریف کرده است. علاوه بر این، نشان داده شده که تفکرورزی و فراگیری مهارت‌های فکری، پیش‌نیاز اخلاق‌گرایی و مسئولیت‌پذیری هستند.

در فصل سوم بر اساس تعاریفی که از تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن عرضه شده، معیارهایی برای ارزیابی داستان‌های منتخب استخراج شده است. آنگاه در فصل چهارم، پنجم و ششم، پس از معرفی داستان‌ها و بیان خلاصه‌ای از آن‌ها، بر اساس معیارهای ارائه شده، به بررسی و ارزیابی داستان‌ها در سه گرایش رسمی، نخبه‌گرا و پرفروش پرداخته شده و نتیجه ارائه شده است.

• مقدمه

ضرورت پرورش تفکرورزی در نظام آموزشی

کودکان از دنیای زها و فعال خود وارد مدرسه می شوند؛ مکانی که دیگر از آزادی خبری نیست و از آن ها انتظار می رود وقت خود را صرف یادگیری معلوماتی کنند که برایشان جاذبه ندارد و آزادی شان را محدود می کند. ایرادهای زیادی در نظام آموزشی کنونی وجود دارد که اولاً مانع شکل گیری تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان می شوند و ثانیاً علاقه مندی آن ها به کتاب و کتاب خوانی را سرکوب می کنند. از این رو، برخی از این مشکلات را بیان می کنیم.

نخست، در نظام آموزشی کنونی معلم در کلاس درس نقش دانای کل را ایفا می کند. معلم در این نقش همچون کسی ظاهر می شود که پاسخ تمام پرسش ها را می داند و دانش آموز می تواند تمام پرسش هایش را از او بپرسد و همواره پاسخ آن ها را دریافت کند. در چنین وضعیتی، در اغلب موارد معلم نه تنها تلاش نمی کند پرسشگری را در کودکان تقویت کند و روحیه پژوهش را در آن ها ایجاد کند، بلکه رفتارش با دانش آموزان به گونه ای است که مشوق آن ها به حرف شنوی داشتن و اطاعت پذیری به شمار می رود و روحیه

کنجکاوی کودکان را به حاشیه می‌برد. حال آنکه کودکان غالباً کنجکاوند و با پرسش‌های گاه فلسفی خود، ما را غافلگیر می‌کنند. آن‌ها زیاد حرف می‌زنند و دوست دارند هرچه بیشتر بی‌رسند و علت اتفاق‌های دور و بر خود را بدانند؛ اما وقتی وارد مدرسه می‌شوند، علاقه‌شان به پرسشگری و طرح سؤال از معلم کم می‌شود و حس کنجکاوی و ذهن خلاقشان رو به خاموشی می‌گذارد. لیپمن در این خصوص می‌گوید مدارس خلاقیت را سرکوب و عقلانیت را محدود می‌کنند (Darryl Matthew De Marzio, 2011:36)؛

دوم، در مدرسه به‌نحو غالب، معلمان و مربیان به‌صورت مونولوگ درس می‌دهند و به‌جای تلاش برای شرکت‌دادن دانش‌آموزان در امر یادگیری، از آن‌ها انتظار دارند شنونده خوبی باشند و محتوای کتاب‌ها را، حتی اگر درک درستی از آن محتوا پیدا نکرده باشند، به‌خاطر بپارند. از این‌رو دانش‌آموزان مشارکت فعالی در امر یادگیری ندارند. آن‌ها در کلاس درس از شخصیتی فعال و پویا تبدیل به شخصیتی منفعل و بی‌علاقه می‌شوند. معلم به‌نحو کسل‌کننده‌ای به بازگویی محتوای کتاب می‌پردازد، غافل از آنکه ذهن خیال‌پرداز بسیاری از دانش‌آموزان در جای دیگری سمیر می‌کند و تنها در صورتی به کلاس درس برمی‌گردند که وارد گفت‌وگو شوند. درواقع دیالوگی سازنده میان معلم و شاگرد شکل نمی‌گیرد و رابطه دوطرفه برقرار نمی‌شود. حال آنکه در مدل دیالوگ‌محور، معلم پاسخ پرسش شاگرد را با پرسشی دیگر می‌دهد و با ادامه فرایند پرسش و پاسخ و وارد کردن شاگرد در فرایند گفت‌وگو، او را به سمت پژوهش سوق می‌دهد.

با توجه به نقاط ضعفی که از نظام آموزشی ذکر کردیم، ضرورت دارد تفکرورزی وارد فرایند آموزش و پرورش شود و کودکان و نوجوانان به سمت آن سوق داده شوند. در ادامه برای درک بهتر این ضرورت، به دیدگاه برخی صاحب‌نظران در این خصوص اشاره می‌کنیم.

۱. فیشر بر ضرورت تفکرورزی در فرایند آموزش و پرورش تأکید کرده است. از نظر وی در دیدگاه سنتی یادگیری، تصور بر این است که ایده‌های

درست در ذهن معلمان است و دانش‌آموزان باید با این ایده‌ها آشنا شوند تا به درک و فهم برسند. از این‌رو ایده‌های خود دانش‌آموز در این مدل انتقال آموزش مهم نیستند. به گفته وی، رویکرد دیگری که برخی معلمان انتخاب کرده‌اند، استفاده از مدل کشف است که بر اساس آن «ایده‌های صحیح» در دنیای خارج قرار گرفته‌اند و کودکان با استفاده از روش صحیح می‌توانند آن‌ها را بیابند؛ اما در این رویکرد هم ایده‌های خود کودک نادیده گرفته می‌شوند. از نظر فیشر مدل انتقال که می‌گوید: «بگذار به تو نشان بدهم یا بگذار به تو بگویم چگونه باید این کار را انجام دهی»، در بهترین شرایط برای کارهای سطح پایین یا مقدماتی، مانند انتقال اطلاعات، دستورالعمل‌ها یا امر و نهی‌ها مناسب است. اینکه گفته شود چه کار باید کرد؟ یا چگونه باید کاری را انجام داد؟ در یادگیری اموری مانند شیوه‌های ایمنی، مهارت‌های مکانیکی یا قوانین بازی‌ها اهمیت حیاتی دارد و در واقع مدل انتقال نوعی روش بازتولید است. مدل کشف، کودک را به‌طور فعال در نوعی موقعیت سازمان‌یافته یادگیری درگیر می‌کند و کودک فعالانه در فرایند یادگیری تولیدی مشارکت می‌کند؛ اما در این مدل لازم نیست کودک ایده‌هایی را که با خود به موقعیت یادگیری می‌آورد، به کار گیرد و نمی‌توان تضمین کرد که در پایان فعالیت‌ها، هیچ‌گونه تفاوت کیفی در افکار کودک حاصل شده باشد. فیشر رویکرد «آموزش برای تفکر» را ترویج می‌کند و می‌گوید در این رویکرد به ایده‌های خود کودک توجه می‌شود. مدل آموزش برای تفکر، در کانون خود نسبت به کودک رویکردی دارد به نام «شما چه فکر می‌کنید؟»؛ این مدل از طریق سطوح بالای تفکر، فراگیری را محقق می‌سازد. تمرکز آن روی «انجام‌دادن» یا «گفتن» نیست، بلکه بر رویکرد تفکر و اندیشیدن تأکید دارد. هدف آن دستیابی به نوعی یادگیری مبتنی بر انتقال، همراه با ایجاد تغییرات در محتوای یادگیری است. آموزش برای تفکر با اطلاعات خام، ایده‌های کودک را به دست می‌آورد و آن‌ها را هم از نظر شناختی و هم از نظر فراشناختی پردازش می‌کند. هدف از آن سرعت‌بخشیدن به فرایند

یادگیری از طریق پیوند دادن دانسته‌ها و اعمال با افکار است (فیشر، ۱۳۹۷: ۳۱۳-۳۱۵).

فیشر در رویکرد آموزش برای تفکر قصد ندارد شیوه انتقال یا کشف را از آموزش حذف کند، بخشی از بار آموزش را همین شیوه‌ها به انجام می‌رسانند. او می‌خواهد تفکر و اندیشیدن وارد فرایند آموزش شود تا یادگیری ارتقا پیدا کند. وی به دنبال توسعه ایده‌ها و افکار کودکان و همراهی فکر با عمل است. از این رو پیشنهاد می‌کند که دانش نظری و دانش عملی را به هم نزدیک کنیم و تئوری و عمل را با هم مرتبط سازیم. از نظر وی آمیزه‌ای از تئوری و عمل به کودکان کمک می‌کند تا به متفکرانی اهل عمل و عمل‌کننده‌هایی متفکر تبدیل شوند؛

۲. چت مایرز هم به انتقاد رویکرد سنتی آموزش و پرورش می‌پردازد و می‌گوید دیگر کافی نیست که محافل آموزش به منزله مخزن دانش و استادان به مثابه سخنران و انتقال‌دهنده اطلاعات عمل کنند، بلکه شاگردان باید مهارت خود را در تفکر و استدلال افزایش دهند و اطلاعات موجود را پس از پردازش مورد استفاده قرار دهند. از این رو لازم است که مربیان تعلیم و تربیت درباره نقش خود بازنگری کنند و فعالیت‌های خود را با آموزش مهارت‌ها و روش‌هایی متمرکز کنند که شاگردان برای تحقیق مستقل بدان احتیاج دارند. وی معتقد است در عصری که کتب درسی قبل از اتمام چاپ و انتشار کهنه می‌شوند و بیشتر مشاغل دستخوش نوآوری‌های سریع و مداوم قرار می‌گیرند، اهداف غایی و کلی تعلیم و تربیت ناگزیر باید تغییر یابند. به گفته وی در سال ۱۹۲۹ م. آلفرد نورث وایتهد معتقد بود که «اگر بناست که یادگیری شاگردان تحقق یابد، آن‌ها باید کتاب‌ها را کنار بگذارند، جزوات خود را بسوزانند و جزئیات ازترشده برای امتحان را فراموش کنند». از نظر مایرز اظهارات وایتهد بدین معناست که ثمره واقعی تعلیم و تربیت فرایندی فکری است که نه از طریق اطلاعات جمع‌آوری‌شده، بلکه از مطالعه یک رشته به وجود می‌آید. با این حال بسیاری از محافل آموزشی به جای تأکید

بر اهمیت پرورش استعدادهای فکری نوجوانان، به صرف انباشت اطلاعات و محفوظات توجه دارند؛ بنابراین سخنرانی به منزله برترین روش آموزش به قوت خود باقی است. این روش معمولاً موجبات ترویج سبک انفعالی تعلیم و تربیت را فراهم می‌آورد که در آن آموزش تفکر انتقادی یا کاملاً مغفول می‌ماند یا فقط به‌طور ضمنی آموزش داده می‌شود (مایرز، ۱۳۹۵: ۷-۸)؛ ۳. قاضی مرادی با نقد نظام آموزشی کنونی در کشورمان و انتقاد از شیوه یادگیری مبتنی بر حفظ داده‌ها و اطلاعات دست‌چین‌شده و شیوه جزوه‌نویسی، شیوه‌های مذکور را موجب دوری نظام آموزشی از تفکر انتقادی دانسته است. وی این شیوه‌های آموزشی را به نقل از پائولو فریره شیوه‌ای اسارت‌بار خوانده است که ضرورت دارد با شیوه آموزش رهایی‌بخش که محور آن آموزش تفکر انتقادی است، جایگزین شود:

نظام آموزشی در جامعه ما چه در عرصه علوم تجربی یا انسانی، بر محور ارائه شیوه‌های حل مسئله بر اساس داده‌ها و اطلاعات دست‌چین‌شده موجود ستهان بافته است. در این شیوه آموزش، دانش‌آموز یا دانشجو به حفظ کردن آن شیوه‌های حل مسئله و پاسخ‌گویی مبتنی بر این داده‌ها و اطلاعات دست‌چین‌شده سوق داده می‌شود تا بتواند در امتحانات نمره قبولی بگیرد. در عین حال، شیوه جزوه‌نویسی به‌طور مضاعفی این نظام آموزشی را از افکار انتقادی دور می‌کند. در شیوه جزوه‌نویسی هریک از دبیران یا استادان بخش‌هایی از همین کتاب‌های آموزشی موجود را به دلخواه خود انتخاب می‌کند. اینان در این بخش‌ها، داده‌ها و اطلاعات لازم از نظر خود و نیز شیوه‌های حل مسئله یا پاسخ‌گویی در همان حوزه مسائلی که خود مهم تشخیص می‌دهند را به دانش‌آموختگان منتقل می‌کنند. بالطبع نمره قبولی اینان در گرو حفظ کردن چنین جزوه‌ای است. این نمره قبولی نیز حاصل به ثمر رسیدن آموزش استبدادی است و هیچ نسبتی با آموزش انتقادی ندارد (قاضی مرادی، ۱۳۹۸: ۴۱)؛